

بدنامی خاندان سلطنتی در سوئیس؛ از ولخرجی تا عیاشی شاه

۲ آبان ۱۳۹۴ ساعت ۲۳:۰۶

ولخرجیهای شاه و اطرافیان در سوئیس تا بدان حد بود که بارها مورد اعتراض مطبوعات سوئیسی و اروپایی قرار گرفته بود اما سفیر می کوشید با اهدای هدایای گران قیمت به روزنامه نگاران صدای آنها را خاموش کند.

مینو صمیمی که سالها منشی سفیر ایران در سوئیس و بعد از آن مدتی منشی فرح همسر شاه بود، در کتاب، خاطرات خود مستندی از ولخرجیها و حیف و میلهای شاه و درباریان او ارائه می دهد.

صمیمی نویسنده کتاب «پشت پرده تخت طاووس» (متولد آذر ۱۳۲۵) دختر «صادق صمیمی» (رئیس اسبق موزه ایران باستان) در این کتاب پس از نقل مجمل زندگینامه‌ی خود - از دوران نوجوانی تا پایان تحصیلات عالی در سوئیس و بازگشت به ایران - ابتدا به شرح دوره‌ای می‌پردازد که متعاقب استخدام در وزارت خارجه به عنوان منشی سفارت ایران در سوئیس بکار مشغول بوده است.

وی طی شش سال خدمت در سفارت ایران (از ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۲) به سبب تسلط کامل به سه زبان فرانسه، آلمانی و انگلیسی، نقش مهمی در رتق و فتق امور مربوط به سفرهای متعدد شاه و فرح به کشور سوئیس داشته است؛ و مسائل گوناگونی از آنچه طی این سفرها رخ می‌داده در کتابش آورده که هر یک به سهم خود برای آگاهی به حقایق اوضاع دربار از اهمیت خاصی برخوردار است.

نویسنده در سال ۱۳۵۲ به دعوت فرح به ایران باز می‌گردد و سرپرستی دبیرخانه و دفتر روابط عمومی «سازمان ملی حمایت از کودکان» را (که زیر نظر فرح اداره می‌شد) به عهده می‌گیرد، تا آنگاه که در سال ۱۳۵۵ مستقیماً وارد تشکیلات دفتر مخصوص فرح می‌شود و به عنوان منشی مخصوص او در امور بین‌المللی بکار می‌پردازد.

نام کتاب خاطرات وی به خوبی گویای محتوای آن است. صمیمی در کتاب خود مسائل متفاوتی را از زندگی خاندان پهلوی بیان می‌کند. مطالبی که اگر در زمان حکومت این خاندان در ایران منتشر می‌شد، مصادف بود با فاجعه‌ای برای رژیم طاغوت، هرچند انتشار این مساله پس از انقلاب اسلامی نیز نمی‌تواند بر روی این مسائل سرپوش بگذارد و درواقع همین موارد و فساد که برای مردم ایران محرز شده بود یکی از علل سقوط رژیم پهلوی در ایران است.

در ادامه به گوشه ای از خاطرات منشی فرح از خاندان پهلوی اشاره می شود:

در سالهای اولیه دهه ۱۹۷۰ که ثروت خانواده شاه به چند برابر نسبت به گذشته افزایش یافته بود، سلسله پهلوی عصر طلائی خود را می گذراند. در ژانویه ۱۹۷۲ بنای جدیدی در محوطه پشت ویلای «سوورتا» در سن موریتس به عنوان ورزشگاه اختصاصی شاه و ملکه ساخته شد، که در آن بهترین و مدرن ترین وسایل ورزشی وجود داشت. ولی علی رغم آن همه مخارج سرسام آور شاه در سوئیس، هر سال که می گذشت ناخرسندی مردم سوئیس از سفرهای شاه به کشورشان بیشتر نمودار می شد.



شاه و

خانواده در سنت موریتس، سوئیس، فوریه ۶، ۱۹۶۹

گرچه روزنامه‌های چاپ ایران به خاطر سانسور بسیار شدید هیچ مطلبی راجع به ولخرجیهای شاه و دربار منتشر نمی کردند، لیکن روزنامه‌های سوئیس همواره مقالات مشروح انتقادی راجع به اعمال افراطی و اسراف کاریهای خانواده پهلوی به چاپ می رساندند. و به خصوص اوج این مقالات در زمانی بود که شاه در اکتبر ۱۹۷۱ جشنهای ویژه سالگرد ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی ایران را در تخت

چرا دولت سوئیس باید نماینده ای برای شرکت یک نمایش مسخره بفرستد؟

به دستور شاه در این جشنها ۶۲ چادر در یک محوطه لمیزرع برافراشته شد و درون هر کدام را نیز با پرده‌های مخمل بنفش، چلچراغهای برنز مطلا، و میز سنگ مرمر صورتی، تزیین کردند تا مورد استفاده مدعوین قرار گیرد. برای تأسیسات مورد نظر جشنهای ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی از یک سال قبل کاروان کامیونها وسایل موردنیاز را به محل برگزاری آن حمل کردند. و چون همه سران کشورها به جشن دعوت شده بودند، برای پذیرایی از آنها: ۱۶۵ سرآشپز و پیشخدمت و گارسن را مستقیماً از رستوران «ماکسیم» پاریس با هواپیما به ایران آوردند، و ۲۵۰۰ بطری شراب درجه یک نیز به فرانسه سفارش دادند که قیمت هر بطر آن سر به یکصد دلار می‌زد.

سوئیس در پاسخ به دعوت شاه از سران کشورها برای شرکت در جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، فقط به اعزام یک عضو بازنشسته شورای حکومت فدرال اکتفا کرد. ولی همین اقدام دولت سوئیس نیز بحثهای بسیار تندی را در پارلمان برانگیخت.



نمایندگان پارلمان سوئیس که اصولاً با اعزام هر نوع نماینده‌ای به جشنهای تخت جمشید مخالف بودند، از دولت می‌پرسیدند: چرا سوئیس باید نماینده‌ای برای شرکت در یک نمایش مسخره بفرستد؟ و یا: اگر سوئیس در جشن شاه شرکت نکند، چه چیزی از دست می‌دهد؟... آنها به خصوص تأکید می‌کردند: وقتی مردم ایران از فقر رنج می‌برند، نماینده سوئیس نباید در جشنی حضور یابد که خوراک شاه و میهمانان ثروتمندش را خاویار تشکیل می‌دهد.

رئیس پارلمان سوئیس نیز ضمن بحث، در جواب نماینده دولتش که ایران را کشوری ثروتمند توصیف می‌کرد، مثالی آورد که هنوز در خاطرم مانده است. او گفت: «یک عرب بدوی در صحرائی بی‌آب و علف در جستجوی تکه نانی بود تا سد جوع کند. موقعی که دیگر کاملاً ناامید شده بود، یک مرتبه چشمش به کیسه‌ای در زیر یک بوته خار افتاد و مشتاقانه دوید و آن را برداشت و گشود. ولی چون در کیسه چیزی جز چند رشته مروارید قیمتی نیافت، همه را به دور افکند. چرا که مروارید قیمتی در صحرا هرگز نمی‌توانست درد شکم گرسنه‌اش را تسکین دهد».

وزارت خارجه ایران با آگاهی از بدنامی خانواده سلطنتی در سوئیس، به من مأموریت داده بود هر مقاله و گزارشی در مطبوعات سوئیس راجع به ایران و سفرهای شاه به سوئیس انتشار می‌یابد، همه را به فارسی ترجمه کنم تا از سوی سفارتخانه برای اطلاع مقامات وزارتخانه به تهران ارسال شود و البته در جهت هر چه بیشتر کاستن از درج مقالات ناخوشایند راجع به شاه نیز وزارت

خارجۀ ایران همه ساله قبل از کریسمس هدایای گرانبهائی از قبیل: فرشهای ابریشمی، مقادیر معتنابه خاویار، و قوطی سیگارهای طلا یا نقره با آرم دربار شاهنشاهی، به سفارتخانه می فرستاد تا از طریق من به روزنامه نگاران سوئیسی داده شود. ولی گفتنی است که مطبوعات سوئیسی علی رغم دریافت هدایای ارزشمند، نه تنها دست از رویۀ خود بر نمی داشتند، که حتی بر دامنه انتقاد از اعمال شاه و درباریان می افزودند.

ولخرجی های شاه و انتقاد شدید رسانه های سوئیسی

سفیر وقت ایران در سوئیسی یک بار برای تهیه پمادی جهت مداوای خارش دست شاه، هپوپیمایی را در بست به لندن فرستاد تا ده حلقه از پماد مورد نظر را برای شاه بیاورد، زیرا پمادی با نام مورد دستور شاه در سوئیسی وجود نداشت. بلکه مشابه آن با نامی دیگر موجود بود اما سفیر معتقد بود امر شاه باید همان طور که هست اجرا شود.

ولخرجیهای شاه و اطرافیان در سوئیسی تا بدان حد بود که بارها مورد اعتراض مطبوعات سوئیسی و اروپایی قرار گرفته بود اما سفیر می کوشید با اهدای هدایای گران قیمت به روزنامه نگاران صدای آنها را خاموش کند اما برخی پول می گرفتند و در عین حال به انتقادات خود شدت می دادند. این اعتراضات منجر به تظاهرات دانشجویی علیه حضور شاه در سوئیسی می شد.

عیاشی های شاه در سوئیسی

شاه در مسافرتش به سوئیسی از همان فرودگاه از فرح جدا می شد و به دنبال عیاشی خود می رفت. در یکی از این مسافرتها شاه «از فرودگاه مستقیماً عازم محل اقامت یکی از ستارگان معروف شد و تمام ساعات بعدازظهر را در جوار او گذراند.»



بریژت

باردو، هنرپیشه مشهور فرانسوی در ویلای مجلل شاه، اتاق شاه از همسرش به دستور شاه جدا شد تا وی بتواند با صرف پولهای گزاف، چهره های مشهور سینمایی غرب و ... را دعوت کند که از آن جمله می توان به بریژت باردو (هنرپیشه مشهور فرانسوی) اشاره کرد.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۸۳۷/شاه-عیاشی-ولخر-چیه-سوئیس-سلطنتی-خاندان-بدنامی>